

باستان‌شناسی ایران باستان

تألیف

لوتی واندبرگ

استاد دانشگاه‌های گان و بروکسل

با مقدمهٔ رمن گیرشمن

ترجمهٔ

عینی بنام

استاد دانشگاه تهران



پیشگفتار استاد گیرشمن

در دورانی که جوانها به تحقیقات درباره علوم رغبت بیشتر نشان میدهند، و گاهی امور مادی را پیش از امور معنوی قرار میدهند، وظیفه ما است که کاری را که آقای لوئی واندنبرگ، استاد جوان دانشگاه گاند، با شدت و حرارت مخصوصی انجام داده، مورد تشویق قرار دهیم.

هنگامی که بعضی از دولتها فعالیت‌های باستان‌شناسی را در آسیای غربی، کاملاً رها کرده، و یا لاقلاً محدود نموده‌اند، جای خوشوقتی است که کشور کوچکی مانند بلژیک، باین قبیل تحقیقات علمی علاقه زیاد نشان میدهد. آقای « واندن برگ » با کمک بسیار ناچیزی تحقیقات علمی خود را، که مایه افتخار اوست، پایان رسانیده. غالباً پیاده، یا با دوچرخه، راه پیموده، گاهی زیر آسمان پرستاره خوابیده، و زمانی از خیمه‌ای، یا از خانه دهاتی محقری استفاده کرده، و باین طریق دشت‌های وسیع « بازارگاد »، و تخت جمشید، و شیراز را پیموده، و نقشه‌ای دقیق از آثار باستانی تهیه کرده، و در این نقشه صد ها تپه تاریخی را، که در بعضی از آنها خود او کاوش نموده، با کمال دقت یادداشت کرده است. در ضمن تفحصات اخیر خود، در سال ۱۹۵۷، فعالیت خود را به نواحی فارس و لرستان اختصاص داده، و اولین کسی بوده است که اطلاعات دقیق از ایام کهن نواحی جنوب و جنوب غربی ایران بما داده است.

میدانیم که کاوش‌های باستان‌شناسی در بین‌النهرین در سال ۱۸۴۲ شروع شد، و یک قرن از آن تاریخ گذشت، ثانویت به نخستین کاوش‌های هاروی فلات ایران رسید. البته هیئت علمی فرانسوی از سال ۱۸۹۷ در شوش شروع بکار کرد، و هنوز در همان ناحیه مشغول کار است، و حتی اگر تفحصات « دیولافوا » را نیز در نظر بگیریم، فعالیت فرانسویها در ایران از این تاریخ هم بالاتر میرود.

کشور ایلامی‌ها وجود تمدنی را ظاهر ساخته است که خصوصیات مشخصی داشته، و از ابتدا از یک سو تحت تأثیر تمدن همسایگان غربی، و از سوی دیگر زیر نفوذ عادات و رسوم مردم کوهستانی که در مشرق آن است قرار گرفته است.

بنابراین کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران، بصورت جدی، فقط از تاریخ ۱۹۳۱، با هیئت

۱- دیولافوا (Marcel Dieulafoy) باستان‌شناس و مهندس فرانسوی است که باتفاق همسرش از سال ۱۸۸۴

تا ۱۸۸۶ کاخ آپادانای شوش را از زیر خاک بیرون آورد.

فرانسوی در تپه گیان، و هیئت امریکائی در تپه حصار، و در تورنگ تپه شروع شد، و همت و پشتکار چند هیئت علمی باستان‌شناسی، که تعدادشان بسیار کمتر از تعداد هیئت هائی بود که در زمان بین دو جنگ در بین‌النهرین کار میکردند، موجب شد، که در مدت یک ربع قرن، وسایلی بوجود آید، که واندنبرگ در کتاب خود شرح آنرا داده است، بدون اینکه سعی کند آنرا تجزیه و تحلیل نماید. آرزوی مؤلف از روی توضاع منحصر باین بوده است که آنچه را که از نظر باستان‌شناسی در این زمینه‌ها انجام گرفته عرضه دارد. نتایجی که از تحقیقات باستان‌شناسان در ایران بدست آمده، در قسمت دوم این کتاب، با نظر کلی مورد بررسی قرار گرفته، و برای اولین بار در ایران، تقسیم بندی از حیث زمان در نظر گرفته شده است.

مؤلف تا آن اندازه در کار خود دقت بخرج داده، که حتی کاوش‌های تجارتنی یا قاچاق‌رانیز مورد مطالعه قرارداد، و اشیاء یا آثاریرا که بر حسب اتفاق بدست آمده فراموش نکرده است. بنظر اینجانب هیچ محل تاریخی، که حتی فقط اطلاع مختصری از گذشته بدست داده باشد، فراموش نشده، و ارزش واقعی این کتاب از همینجا معلوم میشود. بنابراین کتاب آقای واندنبرگ، مانند صفحه روشن و دقیقی، حاوی اطلاعات محدودی است که تا این تاریخ راجع بایران در اختیار ما گذاشته شده. در واقع، روی نقشه باستان‌شناسی ایران، که در حدود پنج برابر کشور فرانسه است، نواحی وسیعی هنوز بصورت لکه‌های بزرگ سفیدی دیده میشود. ناحیه شمال غربی ایران که مهد تمدن ماد و پارس بوده، و همچنین ناحیه شمال شرقی، از نظر کاوش‌های هائی که باید در آن انجام گیرد، نسبت به نقاط دیگر در درجه اول اهمیت قرار دارد. راه‌هایی که از آن دستجات مختلف انسانی وارد فلات ایران شده‌اند در همین دو ناحیه قرار داد.

مطلب قابل توجه این است که کاوش‌های پیش از تاریخی، بیشتر از کاوش‌های دوران تاریخی مورد توجه واقع شده است. مثلاً در مورد تمدن مادها، و کاوش در اکباتان، پایتخت آنها هنوز مطالعات جدی و دقیقی انجام نگرفته است، و خاک برداری از روی این شهر قدیمی، که در محل شهر جدید همدان واقع است، از واجبات بشمار میرود. بعلاوه گذشته از کاوش‌های شوش و تخت جمشید، آثار دیگری از دوران هخامنشی تحت بررسی واقع نشده، و تمدن دوران اشکانی خیلی کم شناخته شده است.

مطالعه کتاب آقای واندنبرگ از یک سو برای اداره کل باستان‌شناسی کمک فوق‌العاده‌ای خواهد بود، و از طرف دیگر هیئت‌های خارجی را برای کاوش در ایران راهنمایی خواهد نمود. خدمتی که در مورد اخیر انجام خواهد گرفت، مخصوصاً از این جهت قابل توجه خواهد بود، که در سالهای اخیر، کشور ایران از نظر کاوش‌های باستان‌شناسی، در میان کشورهای خاورمیانه، مقام ارجمندی را باز یافته است. در واقع پس از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۶، فرانسه تنها کشوری بود که کاوش‌های علمی خود را در ایران برابر سنت‌های کهن خود ادامه میداد. فقط ده سال بعد هیئت دیگری از طرف مؤسسه دانشگاه فیلادلفی در این کار علمی شریک شد، و به نتایج بسیار قابل توجهی رسید.

متن کتاب «تفحص باستان‌شناسی در نواحی ایران»، که بطور خلاصه خصوصیات نقاط تاریخی مختلف ایران را از نظر خواننده میگذراند، بیشتر توجه خود را به پیدائی‌های پیش از تاریخی معطوف داشته است. با این حال راجع به مطالعات آثار مهم ساسانی، و خصوصاً آتشکده‌های آن زمان، و یک نقش برجسته که تا این تاریخ ناشناخته مانده بود، مطالعات دقیقی کرده.

من در مورد بعضی تاریخ‌هایی که برای بعضی دورانهای تمدن ایران پیشنهاد کرده، خصوصاً در مورد لرستان، و زیویه، و خورویین، با او موافق نیستم، و تصور میکنم آنها را کمی بالا برده است. ولی این مطلب جزو قسمت مربوط به تجزیه و تحلیل دورانهای تاریخی است، که مورد نظر اصلی مؤلف نبوده. نظری که مؤلف این کتاب داشته بخوبی انجام گرفته، و کتاب او در تاریخ باستان‌شناسی ایران مقام ارجمندی را حائز شده است.

قابل توجه‌ترین خدمتی که آقای واندنبرگ انجام داده این است، که خود را وقف باستان‌شناسی ایران نموده. و در میان باستان‌شناسان او تنها کسی است که چنین کاری کرده، و از آن مهمتر اینکه در شهر «گاند» به آموزش باستان‌شناسی ایران پرداخته، و این تنها دانشگاهی است که بصورت مستقل، آموزش باستان‌شناسی ایران را در برنامه خود گنجانیده است. کتابی که بما معرفی مینماید بهترین گواهی بر زمینه محکمی است که تاکنون در این راه کسب کرده، و باو اجازه خواهد داد در آینده یکی از بهترین متخصصان این موضوع گردد.

شوش - نوامبر ۱۹۵۸

ر. گیرشمن

پیش‌گفتار مؤلف

وقتی سالنامه انجمن «اکس اوریا نته لوکس»^۱ را در سال ۱۹۵۴ بصورت یک بررسی نسبی مربوط به تحقیقات باستان‌شناسی در ایران معرفی نمودیم، نظراین بوده که خلاصه‌ای از کاریرا که با وسعت بیشتری در نظر داشتیم در این زمینه انجام دهیم عرضه داریم.

ما در این کار مورد تشویق شایان قرار گرفتیم، زیرا از یکسو نظرهای موافقی راجع به این موضوع داده شد، و از سوی دیگر هیچ کتابی تاکنون نوشته نشده بود که خواننده را از نظری که ما برای انجام این کار داشتیم قانع نماید.

برای تهیه کتابی که امروز در دسترس خوانندگان قرار میگیرد، از تفحصات و کاوش‌هایی که روی خاک ایران شخصاً انجام داده‌ام استفاده زیاد شده است. در واقع این موقعیت برای من پیش‌آمد، که بتوانم در تمام نقاط ایران مسافرت نمایم، و از تعداد زیادی از ابنیه این کشور عکسبرداری نموده آنها را از نزدیک مطالعه کنم. کتاب «باستان‌شناسی ایران کهن» بیشتر مورد استفاده اشخاصی قرار خواهد گرفت، که مایل باشند آثار قدیم ایران را بررسی نمایند. این اشخاص خواهند توانست در مرحله اول با تاریخ تحقیقاتی که از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی در ایران شده آشنائی پیدا کنند. در واقع فقط از آن تاریخ است، که کار باستان‌شناسی در ایران، با اصول علمی دقیق انجام گرفت. سپس خواهند توانست راجع بوضع کنونی تحقیقات مزبور در زمینه‌های مختلف، مانند کاوش‌ها و گمانه‌زنی‌های علمی، و تفحصات باستان‌شناسی، یا زبان‌شناسی، کاوش‌های تجارتي و قاچاق، پیدایش‌های اتفاقی اشیائی که محل کشف آنها معلوم است و کشف نقوش برجسته، و کتیبه‌های روی سنگ، و آثار ابنیه قدیم نظر جامعی پیدا کنند. در میان این موضوع‌های متعدد آنچه را که مهمتر و مشخص‌تر بود مورد توجه قرار دادیم.

ما مطالعات خود را تا حدود کنونی ایران محدود نمودیم، و آنچه را که «ایران خارجی» نامیده‌اند کنار گذاشته‌ایم، از نظر قدمت، کار ما شامل قرن‌هایی است، که از آغاز ایجاد تمدن در ایران، تا هجوم عرب، واقع شده، و باین طریق از دوران‌های پیش از تاریخی، و ایلامی، و پیش از هخامنشی، و سلوکی، و اشکانی، و ساسانی، صحبت خواهیم کرد.

ما مطالعات خود را طبق تقسیمات جغرافیائی طبقه‌بندی کرده‌ایم، و اینطور بنظر ما میرسد، که این

روش بیش از همه به باستان‌شناسان اجازه خواهد داد، که تحقیقات خود را با اطمینان بیشتری دنبال کنند. بنا بر این، با در نظر گرفتن وضع جغرافیائی ایران، ما ایالات زیر را متناوباً تحت مطالعه قرار خواهیم داد:

- ۱- ایالات کنار دریای خزر: گیلان، مازندران، گرگان یا استرآباد.
- ۲- ایالات شرقی: خراسان و سیستان.
- ۳- ایالات جنوب شرقی: بلوچستان و کرمان.
- ۴- ایالات جنوبی: لارستان و خوزستان.
- ۵- ایالات غربی: لرستان و کردستان.
- ۶- ایالت شمال غربی: آذربایجان.
- ۷- ایالت مرکزی: عراق عجم.

این نواحی با تقسیمات سیاسی امروزی ایران کاملاً تطبیق نمیکنند. در واقع در سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۵۰ ایران را به ده استان تقسیم کرده‌اند، که حدود آن همیشه با ایالات طبیعی آن برابر نیست. علت اینکه تقسیمات طبیعی و قدیمی را انتخاب کرده‌ایم این است؛ که هر کدام از این نواحی از نظر تاریخی اهمیت مخصوصی داشته است. بعلاوه این روش، کار مطالعه ما را بسیار آسان می‌کند. در مورد فهرست کتب نیز بهمین طریق عمل شده، و این فهرست در آخر کتاب عرضه خواهد شد و کار مطالعه آن کتب را بسیار آسان خواهد کرد.

در «فهرست کتب»، ما کوشش کردیم تصاویر یا عکس‌هایی را که از آثار برداشته شده‌نام ببریم، ولی البته تمام آن تصاویر یا عکس‌ها را در این کتاب ارائه نداده‌ایم.

تعیین تاریخ، «یا گاه شماری»، با در نظر گرفتن روش جغرافیائی، ممکن بود موجب اشکالاتی گردد. ما با تدوین متنی بنام «نظر اجمالی از راه تجزیه و تحلیل، و تعیین قدمت آثار باستانی ایران»، که در آخر کتاب اضافه کرده‌ایم، این اشکالات را مرتفع ساخته‌ایم. ما در این فصل اضافی صورت‌هایی را که مربوط به «گاه شماری» است ارائه داده‌ایم، و آنها را برابر دوران‌های مختلفی که تحقیقات ما در آن بعمل آمده است طبقه بندی کرده‌ایم.

برای دوران‌های بزرگ، خصوصیات کلی مربوط به شئون مختلف زندگی مادی را بیان نموده‌ایم، مانند ساختمان‌ها، و سنگ تراشیها، و فلز کاریها، و مهرها، و استوانه‌ها، و سکه‌ها، و سفال‌ها. مسلم است که این تابلویی که از خصوصیات هر دوران ارائه داده شده بعداً باید در نتیجه تفحصات و تجسسات تکمیل گردد.

در فهرست کتب کلی، نام کتابها یا مقالاتی را که نمیتوانسته است داخل تقسیمات جغرافیائی شود

ذکر کرده‌ایم، زیرا کتابهائی وجود دارد که از ناحیه جغرافیائی بخصوصی صحبت نکرده است، ولی بطور کلی مورد بحث آنها هنر یک دوره تاریخی ایران است.

البته در درجه اول این کتاب مورد استفاده محققان قرار خواهد گرفت، ولی ما امیدواریم که مسافرانی که بکشورهای شرقی می‌آیند نیز از آن استفاده نمایند. تعداد این مسافران هر روز زیاد تر میشود. اطلاعات باستان‌شناسان میتواند آنها را در مسافرت‌هایشان کمک نماید، و باعث روشن شدن ذهن آنها راجع به بسیاری از مطالب گردد. مثلاً شرح و تفصیلی که در این کتاب از ابنیه و نقاط تاریخی داده شده، میتواند بآنها اجازه دهد ارزش واقعی آثاری را که یادگار ایام پرافتخار تاریخ ایران است درک نمایند.

وظیفه ما است که پیش از ختم این پیشگفتار از تمام اشخاصی که بما در پیشرفت این تحقیقات کمک کرده‌اند تشکر نمائیم:

تشکر بی پایان ما پیش از همه از آقای ویلمس^۱ رئیس « بنیاد ملی برای تحقیقات علمی » در بلژیک، و آقای ورکن^۲ مستشار و رئیس روابط فرهنگی وزارت تعلیمات عمومی آن کشور است. اینجانب قدرشناسی فراوان خود را نسبت با آقایان فوق اظهار میدارم.

از آقای گدار، مدیر کل باستان‌شناسی، و آقای مصطفوی، رئیس اداره کل باستان‌شناسی، آقای صمیمی، معاون آن اداره، و آقای سامی، رئیس باستان‌شناسی فارس، و آقای هانری کرین، رئیس مؤسسه ایران و فرانسه، تشکر مینمایم. مهربانی‌های آقای گیرشمن، رئیس هیئت باستان‌شناسی فرانسوی، که در هر مورد از بذل کمک‌های ذیقیمت دریغ نکرده‌اند، فراموش نشده است. همچنین از استاد دکتر صفا، دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو، و استاد دکتر ملکی، و استاد مقدم، و خانمشان، تشکر مینمایم.

از آقای رستمی عکاس موزه ایران باستان، و ژاندارسری دولت ایران و آقای مراد، که ما را در کاوش‌ها راهنمایی کرد، تشکر مینمایم.

تشکرات صمیمانه ما حضور اعضای نمایندگی سیاسی بلژیک، آقای کنت دورسل^۳ و آقای گفن^۴ و بیهین^۵ و ارنمان^۶ و لنگرستی^۷ برای کمک‌های قابل توجهی که مبذول داشته‌اند تقدیم میگردد، و نیز مهربانیهای چاپخانه بریل^۸ در لیدن^۹ که برای چاپ این کتاب همراهی فراوان کرد فراموش نشده است.

گاند - ۲۴ دسامبر ۱۹۵۸

1- M. J. Willems 2- M. G. Verecken 3- M. le Comte d'Ursel 4- M. M. Goffin

5- M. Bihin 6- M. Erneman 7- M. Longerstaey 8- E. J. Brill 9- Leiden

یادداشت‌های مربوط به نقل نام‌های جغرافیائی

نقل نام‌های جغرافیائی ایران به چند طریق انجام میگیرد :

ممکن است کلمه‌ای را طبق تلفظ محلی یا تلفظ رسمی نقل کرد ، و نیز ممکن است نقل کلمه فقط با صدای حروف نوشته شده تطبیق نماید . ما طریق اخیر را اتخاذ کرده‌ایم ، ولی متوجه این مطلب هستیم ، که باین طریق گاهی تلفظ حقیقی کلمه انتقال داده نمیشود . مثلاً کلمه طهران سابق ، و تهران امروز ، با تلفظ رسمی تطبیق میکنند ، ولی بصورت معمول مردم آنرا « تهرون » تلفظ میکنند . بر عکس اگر بخواهیم تلفظ معمولی را که مردم با آن صحبت میکنند بصورت حروف در آوریم ، املاء کلمه غلط میشود .

تصور میکنم روشی را که انتخاب کرده‌ایم آنست که روش‌های مختلف را با هم آمیخته ، و طریقه متحدالشکلی بدست داده‌ایم که بنظر اول در زبان فرانسه نامانوس بنظر میآید ، و بنظر میرسد که بهترین طریقه همان است که کلمه نوشته نام‌های جغرافیائی را ، طبق اصول بین‌المللی ، بحروف لاتین تبدیل نمائیم . فقط بعضی نام‌های جغرافیائی را که از قدیم شهرت یافته‌اند ، بهمان صورتی که بزبانهای لاتین نوشته میشود حفظ کرده‌ایم ، مانند تهران^۱ شوش^۲ تخت جمشید^۳ بازارگاد^۴ و کلمه تپه^۵ . بنابراین خلاصه علائم و قرارهای ما بشرح زیر است :

z	= ز	ā یا (،)	= الف
z h	= ژ	b	= ب
s	= س	p	= پ
s h	= ش	t	= ت
ş	= ص	t h	= ث
d	= ض	d j	= ج
ţ	= ط	h	= ح
z	= ظ	k h	= خ
g h	= غ	c h	= چ
f	= ف	d	= د
q	= ق	d h	= ذ
k	= ک	r	= ر

v یا ū	= و	g	= گ
h	= ه	l	= ل
y یا ī	= ی	m	= م
		n	= ن

حروف صدادار عبارتست از: u و i و a . صدای (o) بوسیله (u) نمایانده شده و صدای (e) در فارسی بوسیله (a) یا (i) نشان داده شده است.

حروف صدادار طویل عبارتست از: ū و ī و ē و حروف مرکب عبارتست از: au و ai.